

دو پایه اصلی استحکام حزب الله لبنان

هیچ قدرتی نمی‌تواند حزب الله را از مرکزیت جبهه مقاومت و نقش منطقه‌ای آن جدا نماید؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند به روند دستیابی حزب الله به تسلیحات بیشتر و مدرن‌تر آسیب بزند؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند حزب الله را از موقعیت کنونی سیاسی در لبنان که مؤثرترین است، جدا نماید. حزب الله و جبهه مقاومت با قدرت بیشتر، صحنه تحولات آینده را رقم خواهند زد. اندکی صبر کنید.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: تا پیش از شهادت «عماد مغنیه» در ۲۴ بهمن ۱۳۸۶ فقط تعداد کمی از او و شخصیت، توانمندی اطلاعاتی و عملیاتی او خبر داشتند. تا پیش از شهادت مصطفی بدرالدین نابغه عملیاتی حزب الله در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ هم فقط تعداد کمی از او و توانمندی‌های ویژه او خبر داشتند. تا پیش از شهادت «فؤاد شکر» فرمانده ویژه حزب الله در ۹ مرداد ۱۴۰۳ کمتر کسی می‌دانست حزب الله از چنین فرماندهی برخوردار است. تا پیش از شهادت «ابراهیم عقیل» در ۳۰ شهریور ۱۴۰۳، «علی کرکی» در ۶ مهر ۱۴۰۳ هم فقط تعدادی می‌دانستند که چنین ستارگانی در حزب الله وجود دارند. تا پیش از شهادت آیت الله سیدهاشم صفی‌الدین و حجت الاسلام نبیل قاووق در هفتم مهر ماه ۱۴۰۳ هم فقط تعدادی از ابعاد شخصیتی و ظرفیت وجودی این افراد باخبر بودند.

به خاطر داریم وقتی عماد مغنیه که شهید سلیمانی او را «عجوبه» طرح‌ریزی می‌خواند، در دمشق به شهادت رسید، خیلی از دوستان با ناراحتی و خیلی از دشمنان با خوشحالی گفتند «کمر حزب الله و سیدحسن نصرالله شکست». واقعاً هم شهادت حاج‌رضوان اتفاق ساده‌ای نبود. در همان موقع بعضی خودی‌ها زبان به شماتت حزب الله، نیروی قدس و حاج قاسم باز کردند که چرا در جهت حفظ شخصی با این درجه از اهمیت، کوتاهی کرده‌اند و کمتر پرسیده شد چطور چنین شخصیتی که از سال ۱۳۶۳ در لیست اصلی و ویژه ترور سازمان‌های اطلاعاتی تروریستی آمریکا، انگلیس، فرانسه، رژیم اسرائیل و بعضی دولت‌های عربی و غیرعربی منطقه قرار داشته، طی ۲۳ سال مورد شناسایی قرار نگرفته است و یا این سؤال کمتر پرسیده شد که حزب الله چطور چنین عجوبه‌ای در متن خود پروریده و طی یک دوره طولانی او را حفظ کرده است. بعدها که مصطفی بدرالدین که بعضی او را «عماد عملیاتی» حزب الله می‌خواندند به شهادت رسید، دوباره همین سؤالات تکرار گردید تا رسیدیم به شهادت فؤاد شکر و تصویر پرجاذبه‌ای که از او برای اولین بار به رسانه‌ها راه یافت. این بار عده‌ای با اشاره به رخدادهای سنگینی مثل شهادت حاج علی زاهدی که در همین نزدیکی‌ها و همین روزها در سوریه و لبنان رخ داده بود، پرسیدند، پس حزب الله، ایران و... چه کار می‌کردند که مقاومت لبنان با چنین ضربه‌ای مواجه گردیده است. بعد شهادت اسطوره مقاومت، سیدحسن نصرالله پیش آمد و اینک شهادت آیت الله سیدهاشم صفی‌الدین و فردا روز باز شهادت‌های دیگر و تکرار پاره‌ای عبارات استفهامی.

در مورد حزب الله، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله، حشدالشعبی و... به پرواز درآمدن «عباس بن علی‌ها» علیهم‌السلام تعجب ندارد، اگرچه دریغ دارد. آنچه تاریخ و دهر را انگشت به دهان می‌کند عظمت روحی و اعجاب شخصیتی عباس بن علی‌هاست و تا زمانی که این اعجاب وجود دارد، تلاش برای عباس بن علی شدن‌ها سکه رایج خواهد بود. عماد مغنیه با همه بزرگی‌اش به شهادت رسید اما جنگ سوریه و عدم حضور عماد و در عین حال

پیروزی حزب الله در آن، ثابت کرد حزب الله خیلی بزرگ‌تر و توانمندتر از عماد مغنیه است. کما اینکه وقتی «سیدعباس موسوی» دبیرکل بسیار خوشنام حزب الله به شهادت رسید و جنوب لبنان در غیاب او از سطره ارتش تروریست اسرائیل آزاد گردید، معلوم شد حزب الله خیلی بزرگ‌تر و توانمندتر از سیدعباس است. وقتی فؤاد شکرها، ابراهیم عقیل‌ها، علی کرکی‌ها و چندین فرمانده دیگر به همراه سه تن از کادر رهبری و دبیرکل طی دو ماه و در حین یک جنگ سنگین به شهادت می‌رسند و باز صحبت از برتری قدرت فرماندهی و قدرت آتش حزب الله است، این یعنی حزب الله خیلی بزرگ‌تر از مجموعه رهبران و فرماندهان آن است! این نکته اصلی اعجاب‌هاست نه به شهادت رسیدن رهبران و فرماندهان.

چرا چنین است؟ دلیل آن بزرگی و عمق و تدبیر عالی در تأسیس یک سازمان و یک جریان است. حال اگر افرادی برای «اطمینان قلبی» درباره اقتدار درون حزب الله نیاز به شواهدی داشتند، این شاهد اینکه به بازار آمده و نقاب از رخ برگرفته است. حزب الله براساس یک ایده مرکزی بسیار محکم تشکیل شده است. این ایده مرکزی اعتقاد به ضرورت برپایی حکومت صالحان - وعده قرآنی که در آیات مختلف آمده - در عصر غیبت با اعتصام به اصل «ولایت فقیه» است. این بارزترین حرفی است که می‌توان درباره حزب الله لبنان زد. خیلی‌ها با انگ زدن و سرزنش کردن، تلاش نمودند این را «نقطه ضعف» حزب الله معرفی نمایند. امروز که حزب الله این همه ضربه را در یک جا تحمل کرده و نشکسته است، معلوم می‌شود این عنصر مرکزی چه تأثیر شگرفی در استحکام آن داشته است.

تأثیر ولایت فقیه چیست؟ ولایت فقیه در امر اداره جامعه، در واقع برقرارکننده پیوند آسمان و زمین است. چطور؟ یک جنبه ولایت فقیه، جعل شرعی آن است. اعتقاد به اینکه در عصر غیبت امام معصوم عجل الله تعالی فرجه، مدل الهی اداره هر مجتمع اسلامی فقط «ولایت فقیه» است، تکلیف دینی، دلی و فطری افراد را روشن و از پراکندگی و تزلزل حفظ می‌کند. در روند کار یک دولت یا یک سازمان مثل حزب الله که می‌خواهد بنایی نو دراندازد و تسلیم حرف‌های رایج نباشد، دشواری‌ها و دشمنی‌های زیادی پیش می‌آید و گاهی حتی «کارد به استخوان می‌رسد» و به تعبیر قرآن فریادها بلند می‌شود که (مَتَى نَصْرُ اللَّهِ) پس وعده کمک الهی چه شد، در این مواقع اعتقاد راسخ به «حق بودن» و زیر نگاه حق بودن و خود را مأمور حق دیدن خیلی از گره‌های ذهنی و عملی باز می‌کند و استواری را فزونی می‌بخشد؛ همان‌طور که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند «المؤمن كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف». اگر در این عنصر مرکزی، «ولی فقیه» نباشد، صرف اعتقادات مذهبی و صرف اعتقاد به ولایت نمی‌تواند رافع مشکلات و راهگشا باشد؛ چرا که بخصوص در بزنگاه‌ها و میدان‌های خوف و خطر، آن عنصر فعال در دسترس (ولی فقیه) باید باشد تا نیروی مجاهد بتواند صدق عمل را با صدق اعتقاد پیوند بزند و به درجه «اطمینان کامل» برسد.

عنصر دوم در ولایت فقیه جنبه مردمی آن است. اعتقاد به اینکه صالح‌ترین انسان‌ها، محق‌ترین آنان در اداره جامعه است، وحدت می‌آفریند؛ چرا که این یک ملاک عقلایی است و مخالف واقعی ندارد. وقتی فردی با انتخاب و برخاستن از متن مردم – محرومان – به ولایت و رهبری می‌رسد، موقعیتی مطمئن و متداوم پیدا می‌کند و برای همیشه تاریخ، حکومت آن، حکومتی مشروع دیده می‌شود. همه عناصر حزب‌الله لبنان از دبیرکل تا نیروی عادی آن از نظر درونی یک چنین اعتقاد پولادینی به ولایت و ولی فقیه داشته‌اند و لذا حزب‌الله پس از عبور از اعوجاج یک ساله‌ای که در مورد اولین دبیرکل آن پیش آمد، تا امروز هیچ‌گاه با انشعاب و یا کناره‌گیری مسئولان و یا اختلاف درونی مواجه نگردیده است و این برای اقران حزب‌الله در جنبش‌های مختلف سیاسی یک استثناء رشک‌برانگیز به حساب می‌آید. بنابراین حزب‌الله حتی آنگاه که در زمان واحد با شهادت رهبران و فرماندهان مواجه می‌گردد، محکم استمرار می‌یابد.

نکته دیگر، در تداوم جهاد و تداوم فکر جهاد است. حزب‌الله از زمان تأسیس اولیه در سال ۱۳۶۱ و تأسیس جامع در سال ۱۳۶۳ تا همین روزها یعنی در همه دوره ۴۰ یا ۴۲ ساله خود، هیچ‌گاه از «معرکه» دور نبوده است. ۱۸ سال جنگ در دوره پاگیری حزب‌الله، شش سال بعد، جنگ بسیار شدید ۳۳ روزه که رهبر معظم انقلاب اسلامی دامت برکاته، آن را به «جنگ خندق» شبیه خوانده‌اند، پنج سال بعد ۸ سال درگیر شدن در جنگ با تروریسم در سوریه، پنج سال بعد وارد شدن به دفاع سنگین از غزه. این موضوع یعنی پا به رکاب جهاد بودن، پس از اعتقاد محکم به ولایت فقیه، در استحکام، سرزندگی و استقامت حزب‌الله خیلی نقش داشته است. حزب‌الله مرحله چهارم (از مهرماه ۱۴۰۲ تاکنون) از حیث قدرت، انسجام و تاثیرگذاری از حزب‌الله مرحله اول (۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹) که ۱۸ سال درگیر بود، توانمندتر است. در حالی که در طول این دوره‌ها، حزب‌الله همواره با شهادت رهبران و فرماندهان بزرگ مواجه بوده است. چرا؟ راز این طراوت و توفندگی، «جهاد مستمر» است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید هر چه به‌عنوان خیر در نظر می‌گیرید و به تصور درمی‌آید، در جهاد مقابل دشمن به دست می‌آید (الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ السَّيْفِ وَ فِي ظِلِّ السَّيْفِ). خسته نشدن از مبارزه و پشت به جهاد با دشمنان نکردن و در ورود به معرکه تعلل نورزیدن، سازمانی به نام حزب‌الله پدید آورده است که امروز به دغدغه بزرگ مشترک همه دشمنان ملت‌ها (از آمریکا تا رژیم غاصب تا انگلیس تا فرانسه و تا بعضی دولت‌های عربی و غیرعربی منطقه) تبدیل گردیده و هیچ راه‌حلی در مقابل آن ندارند!

الان بعضی از افراد که تاریخ چهل ساله حزب‌الله را نخوانده‌اند یا خوانده و در آن تأمل نکرده و به ذات حزب‌الله پی نبرده‌اند، در انتظارند ببینند سرنوشت حزب‌الله در این مصاف متراکم چه می‌شود! آنان که بر صحنه تحولات منطقه و جهان، طی ۴۰ سال گذشته اشراف داشته‌اند، می‌دانند که علی‌رغم بعضی هیاهوها، حزب‌الله با هیچ چیز جدیدی که قبلاً سخت‌تر آن را تجربه نکرده و بر آن فایق نیامده باشد، در داخل و خارج لبنان مواجه نیست؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند حزب‌الله را به پشت نهر لیتانی عقب بزند و یا قطعنامه‌های قدیمی ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱ شورای امنیت را علیه آن به اجرا بگذارد؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند حزب‌الله را از مرکزیت جبهه مقاومت و نقش منطقه‌ای آن جدا نماید؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند به روند دستیابی حزب‌الله به تسلیحات بیشتر و مدرن‌تر آسیب بزند؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند حزب‌الله را از موقعیت کنونی سیاسی در لبنان که مؤثرترین است، جدا نماید. حزب‌الله و جبهه مقاومت با قدرت بیشتر، صحنه تحولات آینده را رقم خواهند زد. اندکی صبر کنید.